

نگاه **احمد سنینیایی**؛ تاریخ پژوه

«مرجعیت شیعه»، نماد اقتدار و مردم‌گرایی

### در طریق ایجاد تمدن نوین اسلامی

سده‌ای که بر ما گذشت، تقریباً با صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم، به ابتکار زنده‌یاد آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری همزمان بود. در اواسین سال از این قرن، دو تن از مراجع پرورش‌یافته این حوزه، یعنی آیات عظام: لطف‌الله صافی گلپایگانی و سیدمحمد علی علوی گر گانی، از میان ما رخت پرستند. تقارن این مناسبت‌ها، فرصتی مغتنم است که در باب کارنامه این حوزه و مرجعیت آن، اشاراتی رود.

**یک**

تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله حائری، در دوره‌ای صورت گرفت که رضاخان می‌رفت تا سنگ‌های قدرت را، یک به یک فتح کند. او در این دوره و به‌طور مشخص تر در پی بی‌اثر شدن پروژه جمهوری‌خواهی، متوجه‌قدرت حوزه‌و مرجعیت‌شد وراه‌ریاکاری مذهبی را، در پیش گرفت! با این همه دیری نباید که قزاق پس از نیل به سلطنت، نقاب از چهره برداشت و ستیز همه‌جانبه با روحانیت و تمامی نمادهای دین را، وچپه همت خود قرار داد. در این دوره صبر و تدبیر بر محوم حائری، بس در خور تحسین می‌نماید. او با در پیش گرفتن سیاست انتظار و ممانعت، بهانه را برای هدم حوزه‌قم، از رضاخان گرفت. پس از درگذشت وی، علمای ثلاث( آیات عظام: سیدمحمدحجت کمره‌کامی، سیدمحمدتقی خوانساری و سیدصدرالدین صدر)، به همین رویه تداوم دادند تا نهایتاً با فرارسیدن شهر یور ۲۰ و خلع و اخراج رضاخان از ایران، این نهاد علمی از رفتارهای ایدئالی‌وی، رو به اسودگی نهاد.

**دو**

در سالین میانه دهه ۲۰ و در آزادی نسبی پدید آمده، زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی با دعوت و اصرار علمای قم به‌ویژه حضرت امام‌خمینی(ره)، در شهر قم اقامت گزید و در پی آن، مرجعیتی بس مقتدر و نافذ پدید آمد. حوزه این شهر با مدیریت ۵ ساله آیت‌الله بروجردی، به اوج شکوفایی علمی و عظمت اجتماعی نایل گشت. در دوران وی فاضلانی تربیت شدند، که هر یک بعدها در حوزه حضور و نفوذ خویش، تأثیراتی شگرف آفریدند. آیات عظام صافی گلپایگانی و علوی گر گانی، از برآمدگان این دوره از حیات حوزه قم هستند.

**سه**

در پی رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین‌ماه ۱۳۴۰، پهلوی دوم که تبار تحمل نفوذ معنوی حوزه علمیه قم را نداشت، درصدد برآمد تا مرجعیت را از ایران خارج سازد، هم از این روی او، تلگرام تسلیت خویش را برای آیت‌الله العظمی سیدمحسن حکیم، از مراجع نجف ارسال داشت. این همه دیری نباید که هوانمندی حوزه قم، در عرصه سیاست نیز نمود یافت و اعتراضات مردمی قم به‌ویژه آیت‌الله العظمی امام‌خمینی، به وقایعی چون: طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و کاپیتولاسیون، به یک بسیج اجتماعی منجر شد. رژیم پهلوی گمان برد که تبعید رهبر کبیر انقلاب اسلامی به‌عنوان نماد مبارزات، می‌تواند رابطه او با مردم را قطع کند که از قضا ماجرا معکوس گشت و نهایتاً به انقلاب ۷۰ پیروزی آن منتهی شد. در این رستاخیز عظیم، روحانیت یکی از اصلی‌ترین، مؤثرترین و موفق‌ترین نیروها به شمار می‌رفت.



زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدمحمد علی علوی گر گانی، در دوران جوانی

### حوزه قم با مدیریت ۱۵ ساله آیت الله بروجردی، به اوج شکوفایی علمی و عظمت اجتماعی نائل گشت. در دوران وی فاضلانی تربیت شدند که هر یک بعدها در حوزه حضور و نفوذ خویش، تأثیراتی شگرف آفریدند. آیات عظام صافی گلپایگانی و علوی گرگانی، از برآمدگان این دوره از حیات حوزه قم هستند

**چهار**

به این ترتیب حوزه قم تاکنون، سه‌مرحله حفظ و صیانت از خویش در دوره آیت‌الله حائری، و رشد و شکوفایی علمی در دوره آیت‌الله بروجردی و تأسیس نظام اسلامی در دوران امام‌خمینی(ره) را پشت سر نهاده است. بی‌تردید دوره چهارم این فرایند، برساختن تمدن نوین اسلامی است که در دوران مرجعیت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و مسایر اعلام جامعه‌گرای حوزه قم، در حال انجام است. از سوی دیگر به موازات این سیر رو به پیشرفت، تلاش برای توقف این روند و پیامدهای مهم ملی و فراملی آن نیز، یب‌یعدی متنوع یافته است. تلاش برای پایه‌گذاری و توسعه جریان‌ت سکولار در قم با طایر افرادی به‌عنوان مرجع با پشتوانه‌های مالی گسترده اما مجبور، از جنبه‌های شاخص این تلاش قلمداد می‌شود. با این همه بدنه حوزه قم به‌دلیل هوشمندی و برخورداری از حافظه تاریخی و نیز سیر و تعظیبات سلف‌صالح،بعیداست که از اینگونه ترقدها تأثیر پذیرفته و به‌ارتجاع تن در دهد. امروزه این حوزه با برخورداری از هزاران فاضل زمان آگاه، می‌تواند از بشر سرخورده از گرایش به تمدن مادی، دستگیری کرده و به‌او راه معنویت و حق‌طلبی را خاطر‌نشان سازد.

## تاریخ



آیت‌الله العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی، در صحن نخست یکی از هیئتها یا

# برای او که دغدغه دین و مردم داشت

درنگی در سیره و خصال زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدمحمد علی علوی گرگانی

ماروشن می‌کرد و از این جهت بر ماحق دار‌نند...».

متقابلاً آیت‌الله حائری نیز به ایشان توجه بسیار داشته‌اند و با اینکه در اعطای القاب محتاط بودند، در اجازه امور حبسیه‌ای که در سال ۱۳۵۵ش به ایشان داده‌اند، علوین جالبی درباره ایشان به‌کار برده‌اند: «حضرت مستطاب سیدالعلما العالمین و حجت‌الاسلام و المسلمین، صاحب الأخلاق الکریمه و العلم‌ الغزیر و التقی و الصلاح و السداد، جناب آقای حاج سیدمحمدعلی علوی گرگانی دامت توقیافته و بر بانه...».

ب) تدریس: آیت‌الله علوی گرگانی همزمان با تحصیل درس خارج فقه و اصول، به تدریس دروس مقدمات و سطوح عالی اشتغال و تعداد

زیسادی از طلاب و فضلا، افتخار شاگردی و استفاده از حضور ایشان را داشتند.حجت‌الاسلام

والمسلمین محمد شریف‌رازی در سال ۱۳۵۲ش، در کتاب گنجینه دانشمندان در‌یساره آیت‌الله علوی گرگانی می‌نویسد: «حجت‌الاسلام آقای سیدمحمدعلی بن‌العلامة الجارح الحلاج السید سجاد علوی گرگانی، از فضلا، مدرسین و استادان سطوح عالی حوزه علمیه است که به زبور علم و تقوا اراسته و به منات و بزر گواری پیراسته است...».

ج) تالیف: معظم‌له از ابتدای تحصیل، به تقریر دروس و تالیف اشتغال داشتند. حقیر در مصاحبه‌ای که در زمان حیات آن مرجع فقید در محله حریم امام شماره ۴۲۷به چاپ رسیده است، به تفصیل به معرفی آثار ایشان پرداخته‌ام.

**در عرصه تبلیغ**

از ویژگی‌های شاخص و منحصر به فرد آیت‌الله علوی گرگانی، توجه به مسئله تبلیغ است. بسا



مؤسسه‌مطالعه در کنار آیت‌الله العظمی علوی گرگانی

**آن بزرگ به حمایت از نظام اسلامی و دفاع از رهبر معظم انقلاب، اهمّامی ویژه داشتند. پیش از پیروزی انقلاب، در راهپیمایی‌ها شرکت داشتند و پس از آن، چندین بار به جبهه‌های جنگ رفتند و در بسیج مردم برای حضور در جبهه‌ها، نقش مؤثّری ایفا کردند. بارها می گفتند: امروز علم شیعه در دستان رهبری است و ما در مسائل سیاسی، بر ایشان مقدم نمی‌شویم بلکه تابع ایشان هستیم. با این حال، همواره دغدغه مردم را داشتند و به همین دلیل، در نقد عملکرد برخی مسئولان، درنگ نمی‌کردند و در دیدارها، با صراحت انتقادشان را بیان می‌کردند که نمونه‌های فراوان دارد**

عالمان پیش از تصدی مرجعیت، به منبر و تبلیغ اهتمام داشتند، اما پس از نیل به این مقام، حضور در شهرستان‌ها و تبلیغ را ترک گفتند، اما ایشان تا واپسین سال حیات، در ۲ماه محرم و رمضان، به شهر گرگان می‌رفتند و به تبلیغ و منبر اشتغال داشتند. درباره این موضوع، خاطره ذیل آمده را مکرر نقل می‌کردند: «من علاقه‌مند بودم که در حوزه نجف تحصیل کنم. پدرم به من گفتند: در این باره، با آیت‌الله العظمی سیدمحسن حکیم مشورت کن. خدمت ایشان شرفیاب شدم و مسئله را مطرح کردم. فرمودند: شما در قم ذوالناستین هستید، اهل درس و تدریس هستید و ماه منبر اشتغال دارید، اما در نجف فقط درس هست و لذا صلاح نمی‌بینم، که منصب تبلیغ را از دست بدهید...».

ایشان ابتدا در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به زادگاه پدرشان روستای انگ می‌رفتند، اما از اواخر دهه ۵۰، در ایام تبلیغی به گرگان عزت‌مس می‌کردند و ابتدا در مسجد پیروان قرآن و پس از وفات پدرشان در مسجد جامع، سخنرانی می‌کردند. تکاپوهم تبلیغی ایشان در روزهای ماه مبارک رمضان، با سنن بالا و نیز با توجه به جایگاه مرجعیت‌شان، بس جالب توجه است. آیت‌الله علوی نماز صبح را، در ساعت ۳ساعت و نیم، جمعه‌ها می‌کردند و سپس به منزل می‌آمدند و تا حدود ساعت ۱۰استراحت می‌کردند، سپس مراجعات مردمی را، در دفترشان پاسخگو بودند. سپس به مسجد جامع می‌رفتند و نماز ظهر و عصر را، به سیره پدرشان در آن وقت اقامه می‌کردند و سپس درحالی‌که تمامی حیاط و شبستان‌های مسجد جامع ملو از جمعیت بود، به منبر می‌رفتند و حدود ۴۵دقیقه، سخنرانی داشتند. سپس به منزل آمده و پس از استراحت، برای اقامه نماز مغرب و عشا، به مسجد ملاعلی می‌رفتند و پس از آن برای افطار، به منزل یکی از اهالی گرگان یا روستاهای اطراف می‌رفتند. در ساعت ۴سب، جمعه‌ها در مسجد ملاعلی می‌آمدند و همراه با مسردم، به خواندن یک جزء قران می‌پرداختند و خود ایشان هم بخشی از جزء را می‌خواندند. سپس ای‌های از همان جزء را مطرح و تفسیر می‌کردند. بعد از پایان مراسم مسجد ملاعلی، با همراه عدده‌ای از علاقه‌مندان‌شان، به ۲یا ۳مسجد دیگر شهر گرگان می‌فتند و برای آنان که مراسم قرائت قرآن‌شان تمام‌شده بود، دقایقی تفسیر قرآن می‌گفتند! این فعالیت‌ها، تا حدود ساعت ۱۲شب طول می‌کشید. پس از آن به منزل شخصی می‌رفتند که ایشان را برای سحری دعوت کرده بود و تا وقت سحر، در آنجا بودند. نمود این تلاش تبلیغی خالصانه، در مراسم باشکوه تشییع پیکرشان در گرگان، قابل مشاهده بود. چنین جمعیتی در این شهر، هم از نظر کمیت و هم از جنبه کیفیت، کم نظیر می‌نمود. یکی از مسئولین این شهر اظهار داشتند: در چند دهه اخیر، این بر جمعیت‌ترین مراسم تشییع، در این شهر بوده است. از سوی دیگر، نگارنده خود شاهد بودم که مردم در فراق ایشان چگونه اشک می‌ریختند!

**در عرصه اخلاق**
آیت‌الله علوی گرگانی، از جنبه اخلاقی و سلوک اجتماعی نیز کم‌مانند بودند. من در این مختصر، تنها می‌جایگامی، به راحتی می‌توانست با ایشان ویژگی‌های اخلاقی ایشان اشاره کنم و الا مثنوی فضایل اخلاقی ایشان، هفتاد من کاغذ خواهد شد! آن بزرگ به مصداق حدیث: «المومن بُشّره فی وجهه»، همیشه لیخند بر لبانشان نقش شده بود. بسیار مردمی بودند و هر روز یک ساعت به ظهیر و یک ساعت قبل و بعد از غروب، در حیاط دفترشان می‌نشستند. هر کسی از غریب قشری و با هر جایگاهی، به راحتی می‌توانست با ایشان ملاقات کند. به تمامی افراد احترام می‌گذاشتند و تا چند سال پیش که در در پا نداشتند، به احترام تمامی واردین می‌یستادند. به سبقت در سلام اهمیت می‌دادند و در راه درس یا حرم، به همه افراد سلام می‌کردند. این رفتار، تأثیر ویژه‌ای

در جذب مخاطبین به دین و روحانیت داشت. آیت‌الله علوی بسیار قدرشناس و اهل تشکر بودند. هر خدمتی ولو ناچیز، از چشمشان دور نمی‌ماند و از آن قدردانی می‌کردند. به‌خاطر دارم، هنگامی که تقریرات ایشان را تنظیم و به‌صورت افست چاپ کردم، ایشان تا مدت‌ها به حقیر می‌فرمودند: با کاشف لغطا، آنک قد کشفْتَ اللغطا، عَنّا. کار شما سبب شد که کتاب‌های ما، از پس پرده فراموشی نمایان شود! اگر کسی برای ایشان کاری انجام می‌داد، علاوه بر تشکر زبانی، بلافاصله حق‌الزحمه‌اش را پرداخت می‌کردند و اگر هم قبلاً با او طی نگارده بودند، هر مبلغی را که آن شخص می‌گفت، پرداخت می‌کردند. به یاد دارم گاهی خادم دفتر ایشان، علاوه بر وظیفه محوله خود، خدمت می‌ایشان می‌کرد، مثلاً خانواده ایشان را با اتومبیل خود، به منزل بستگان می‌رساند. آن بزرگ بلافاصله، حق‌الزحمه او را جدا از حقوق ماهانه‌اش، حساب می‌کردند.

استفاده از وجوه شرعی، بسیار محتاط بودند و سرمایه‌گذاری و کار تجاری با وجوهات را، جایز نمی‌شمردند و می‌گفتند: «ما فقط حق داریم، وجوه را در موارد شرعی مصرف کنیم...» حتی از وجوه، برای چاپ کتاب‌های فقهی و اصولی خود استفاده نمی‌کردند. ساده زیست و بی‌تکلف بودند و با اتومبیل ساده‌ای که متعلق به یکی از اعضای دفتر بود، به درس می‌رفتند. هیچ‌گاه حاضر نشدند که صندلی و مبلی در دفترشان بگذارند و در محضرشان وکیل و وزیر، بر زمین می‌نشستند! بسیار اهل صله رحم بودند و مرتب به دیدار بستگان می‌رفتند. این امر هنگامی موجب تعجب می‌شد که گاه افرادی نسبت به ایشان، به غایت کم توجه بودند و شاید یکبار هم به دیدن ایشان در منزل یا دفتر نیامده بودند، اما ایشان بی‌توجه به این مسائل، به دیدار آنان می‌رفتند و هدیه نیز می‌دادند! بسیار منظم بودند و سروق، کارهایشان را انجام می‌دادند. همیشه چهارشنبه‌ها بعد از درس فقه، درس اخلاقی داشتند و پس از آن، به زیارت حضرت معصومه(س) رفته و سپس به شیخان بر سر مزار ولده‌شان می‌رفتند. هر گاه به گرگان می‌رفتند، ابتدا بر سر مزار پدرشان واقع در امامزاده عبدالله حاضر می‌شدند و در طول مدت اقامت‌شان، هر چند روز پس از نماز صبح، به زیارت مزار والدشان می‌رفتند. نسبت به معاصریشان با تجلیل و تمجید یاد می‌کردند. در یک کلمه «عالم ربّانی» بودند.

**در عرصه سیاست**

در بعد سیاسی، ایشان به حمایت از نظام جمهوری اسلامی و دفاع از رهبر معظم انقلاب اسلامی، اهمّامی ویژه داشتند. پیش از پیروزی انقلاب، در راهپیمایی‌ها شرکت داشتند و بعد از آن، چندین بار به جبهه‌های جنگ رفتند و در بسیج مردم برای حضور در جبهه‌ها، نقش مؤثّری داشتند. همچنین در شورای فقهی قضایی که در قم تشکیل می‌شد، شرکت داشتند و آرای صادره قضات را، مورد بررسی قرار می‌دادند. ایشان رهبری را علمدار شیعه و از این جنبه، اطاعت از ایشان را لازم می‌دانستند. به‌خاطر دارم که گروهی از فضلاء حوزه، برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶، خودم ایشان را میزدند و از ایشان تقاضا کردند که شخصی را برای نامزدی ریاست جمهوری در اختیار کنند. ایشان فرمودند: «وقتی آت‌الله بروجردی به قم آمدند، علمای بسیاری در قم حضور داشتند و برخی از آنها صاحب رساله بودند، اما وقتی مرجعیت آقای بروجردی عام شد و علم شیعه در دست ایشان قرار داشت، همگی در مسائل اجتماعی و سیاسی، از ایشان تبعیت می‌کردند. امروز هم علم شیعه در دستان رهبری است و ما در اینگونه مسائل، بر ایشان مقدم نمی‌شویم، بلکه تابع ایشان هستیم...». آن بزرگ همواره دغدغه دین و مردم را داشتند و از این روی، در نقد عملکرد برخی مسئولان، در نگ نمی‌کردند و در دیدارها، با صراحت انتقادشان را بیان می‌کردند که نمونه‌های فراوان دارد.

تاریخ تشیع

### شیعه‌شناسی

کتاب «شیعه‌شناسی» اثر سیدابوالحسن مخزن موسوی از سوی نشر صاد به چاپ رسیده است. این کتاب با هدف روشن‌نگرانه به معرفی مکتب شیعه پرداخته است. در معرفی این اثر آمده است: شیعه در طول تاریخ همواره با شناسنامه‌ای معرفی شده است. شیعه

خود را پیرو اسلامی می‌داند که ماهیت آن ظلم‌ستیزی و طاغوت‌گریزی است. خود را پیرو سنت پیامبری می‌داند که او و پیروانش با کافران سرسخت و با یکدیگر مهربان‌اند. مشخصه بارز کتاب شیعه‌شناسی این است که بیش از ۸۰درصد منابع آن را کتب اهل سنت تشکیل می‌دهد. در این کتاب اثبات شده که پیامبر(ص) کلمه شیعه را استفاده کرده و شیعه را با عنوان اسلام که مهر استاندارد تلقینی دارد معرفی کرده است. همچنین بحثی که در دل مباحث این کتاب مطرح شده، بحث امام زمان (عج) به‌عنوان عزت زمان حال است. با منابع اهل سنت اثبات شده که امام زمان(عج) باید حضور داشته باشد که هم حدیثی و هم عرفانی است. مهم‌ترین ویژگی کتاب این است که نویسنده با نگاهی به موضوع وحدت اسلامی مباحث را جمع‌بندی کرده است. در غرب، اسلام‌شناسی پیشینه زیادی دارد. امروزه کتاب‌های درسی که در کشورهای اروپایی برای آموزش و تعلیم اسلام نوشته می‌شود توسط اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان غربی نوشته می‌شود. ادبیات تولیدی آنها نسبتی با اسلام راستین و شیعه ندارد. به همین دلیل هم مباحث آنها ارتباطی به وحدت اسلامی ندارد؛ چون موضوع فکری‌شان نیست. پس جوامع اسلامی به آثاری در حوزه شیعه‌شناسی نیاز دارند که با رویکرد و دیدگاهی وحدت‌محور نوشته شوند.

کتاب «شیعه‌شناسی» اثر سیدابوالحسن مخزن موسوی از سوی نشر صاد به چاپ رسیده است. این کتاب با هدف روشن‌نگرانه به معرفی مکتب شیعه پرداخته است. در معرفی این اثر آمده است: شیعه در طول تاریخ همواره با شناسنامه‌ای معرفی شده است. شیعه

خود را پیرو اسلامی می‌داند که ماهیت آن ظلم‌ستیزی و طاغوت‌گریزی است. خود را پیرو سنت پیامبری می‌داند که او و پیروانش با کافران سرسخت و با یکدیگر مهربان‌اند. مشخصه بارز کتاب شیعه‌شناسی این است که بیش از ۸۰درصد منابع آن را کتب اهل سنت تشکیل می‌دهد. در این کتاب اثبات شده که پیامبر(ص) کلمه شیعه را استفاده کرده و شیعه را با عنوان اسلام که مهر استاندارد تلقینی دارد معرفی کرده است. همچنین بحثی که در دل مباحث این کتاب مطرح شده، بحث امام زمان (عج) به‌عنوان عزت زمان حال است. با منابع اهل سنت اثبات شده که امام زمان(عج) باید حضور داشته باشد که هم حدیثی و هم عرفانی است. مهم‌ترین ویژگی کتاب این است که نویسنده با نگاهی به موضوع وحدت اسلامی مباحث را جمع‌بندی کرده است. در غرب، اسلام‌شناسی پیشینه زیادی دارد. امروزه کتاب‌های درسی که در کشورهای اروپایی برای آموزش و تعلیم اسلام نوشته می‌شود توسط اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان غربی نوشته می‌شود. ادبیات تولیدی آنها نسبتی با اسلام راستین و شیعه ندارد. به همین دلیل هم مباحث آنها ارتباطی به وحدت اسلامی ندارد؛ چون موضوع فکری‌شان نیست. پس جوامع اسلامی به آثاری در حوزه شیعه‌شناسی نیاز دارند که با رویکرد و دیدگاهی وحدت‌محور نوشته شوند.

تاریخ دفاع مقدس

### دختران آ.پی. دی

کتاب «دختران آ. پی. دی» خاطرات مینا کمبای، به قلم لیلا محفدی است که در این اثر، راوی از روزهای پرتلاطم آن دوران می‌گوید. در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مینا کمبای

با جمعی از دانش‌آموزان آمدادگری در بیمارستان امام‌خمینی(ره) شرکت نفت آموزش می‌دادند. وی در همان سال با تأسیس بسیج خواهران آبادان، همراهِ ا دوسستانش که به دختران O. P. D معروف بودند، به فعالیت در بسیج می‌پرداخت و برای آمدادگری و واکسیناسیون به روستاهای اطراف آبادان می‌رفت. خاطراتی از دوران کودکی، زمان تحصیل در مدرسه و پیروزی انقلاب اسلامی، همچنین فعالیت طرفداران گروه خلق عرب برای تصاحب خرمشهر، عضویت در جبهه حزب‌الله در مدرسه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روبرایی با گروه‌های مجاهدین خلق (منافقین)، حلق عرب و کمونیست‌ها، شرکت در کلاس‌های مختلف عقیدتی و سخنرانی‌های مذهبی، به شهادت رسیدن خواهر نوجوان راوی توسط منافقین در اصفهان، دیدار با امام‌خمینی(ره)، پذیرایی از خانواده شهید در هتل بهبهان، انفجار انبار دارویی بیمارستان نفت توسط عراقی‌ها و وضعیت شهر خرمشهر پس از آزادی، عمده موارد مطرح‌شده در این خاطرات است.

تاریخ ایران

### ایران در عهد صفویه

کتاب «ایران در عهد صفویه» از مجموعه کتاب‌های «چراهای تاریخ ایران» است که انتشارات قدیانی منتشر کرده است. این کتاب را محمدعلی علوی کیا نوشته و امیر نساجی تصویرگری آن را انجام داده است. در معرفی این اثر آمده است، عصر صفویان را می‌توان آغاز دوران جدید در تاریخ ایران دانست. سرزمین ما پس از سال‌ها از استیلای بیگانگان رها شد و نخستین دولت ملی و مستقل در کشورمان تأسیس شد. دولت صفویان تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. ایران در این دوران به کشوری قدرتمند تبدیل شد و این آغاز یک دوره رقابت و کشمکش طولانی با امپراتوری ترکان عثمانی بود که می‌کوشید بر سراسر جهان اسلام فرمانروایی کند. کتاب ایران در عهد صفویه می‌کوشد تا تأسیس دولت صفویان، شکوفایی و عظمت و در پایان سقوط آن را بررسی کند. در این کتاب مخاطب می‌تواند پاسخ سؤال‌هایی درباره چگونگی پدیدآمدن طریقت صفوی و تبدیل آن به یک مسلک سیاسی، رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران، روابط ایران و دولت‌های اروپایی در دوران صفویه و وقایع مهم دیگری در این دوران را بیابد. نویسنده این کتاب با استفاده از متون و منابع تاریخی و با بیانی ساده، به این سوالات پاسخ می‌دهد.

در بخش «تأسیس دولت صفویه» درباره نقش شاه اسماعیل در ایجاد یک دولت مستقل آمده است: «روایهای اسماعیل در سال ۹۰۷ق. تحقق یافت. او فاتحان وارد تبریز شد و پس از تسلط بر شهر، به‌عنوان نخستین پادشاه سلسله صفویه تاج شاهی بر سر نهاد. در این زمان شاه اسماعیل فقط ۱۴سال داشت. سنگه به نام وی زدند و او خود، در خطبه‌ای تشیع اثنی‌عشری را مذهب رسمی کشور اعلام کرد.»